

معرفی و نقد «مفاتیح الشرایع»

علی اکبر ایزدی فرد*

چکیده

کتاب «مفاتیح الشرایع» تألیف ملامحسن فیض کاشانی از بزرگترین دانشمندان اسلامی در قرن یازدهم هجری است. در کتاب «مفاتیح الشرایع» که یکی از کتب معتبر شیعی در زمینه فقه و حقوق اسلامی است به طور مختصر و فشرده در سه جلد یک دوره کامل فقه مورد بحث قرار گرفته که دارای ویژگی‌ها و امتیازات فراوانی است. آنچه در این نوشتار مورد بررسی قرار می‌گیرد اولاً معرفی کتاب «مفاتیح الشرایع»، ثانیاً اشاره به اهم آرا و نوادر فتاوی فیض در این کتاب است که برخلاف نظر مشهور فقها ارائه شده است. گویا همین فتاوی خلاف مشورش باعث شده که تألیفات وی به ویژه کتاب مزبور همواره مورد توجه جدی فقها قرار بگیرد. ثالثاً نقد و بررسی کتاب «مفاتیح الشرایع» و بعضی از آرای فقهی اوست.

واژه‌های کلیدی

ملامحسن فیض، مفاتیح الشرایع، آرای فقهی.

مقدمه

ملامحسن فیض کاشانی معروف به فیض کاشانی و فیض کاشی است که از بزرگترین دانشمندان اسلامی در قرن یازدهم هجری عهد شاه عباس ثانی بوده است. وی در سال ۱۰۰۷ ه.ق. متولد شد و در سال ۱۰۹۱ ه.ق. وفات یافت. قبر وی در قبرستان فیض در کاشان مزار عمومی است. بنابراین مدت عمر با برکت فیض ۸۴ سال می‌باشد.^(۱) در کتاب «ریحاً الادب» آمده است: «او عالمی فقیه و محدثی عالی مقام، محقق مدقق،

رتال جامع علوم انسانی

* دانشیار دانشگاه مازندران.

حکیمی متکلم و متأله، ادیبی شاعر و ماهر، عالم به علوم عقلیه و نقلیه، در اخبار و احادیث فهیمی بی نظیر و در تطبیق اصول ظواهر با بواطن و جمع مابین اصول شریعت و طریقت متفرد بود.»^(۲)

فیض در کتاب خود «شرح صدر» که رساله‌ای به زبان فارسی است، در مورد وضعیت تحصیلی و علمی خود می‌گوید: «مدتی در کاشان مشغول تحصیل علوم دینی از جمله تفسیر، حدیث، فقه، اصول دین، علوم عربی، منطق و غیره نزد پدر و دایی‌ام بوده‌ام. بیست ساله بودم که به اصفهان جهت تحصیل علوم بیشتر به خصوص علوم دینی مسافرت کردم. در این علم آن قدر پیشرفت کرده‌ام که برای من علم حلال و حرام و سایر احکام حاصل شد و از تقلید دیگران بی‌نیاز شدم. پس از آن مستطیع شده، به حج رفتم. در این سفر به خدمت محمد بن الحسن بن زین‌الدین عاملی رسیدم و از او استفاده‌های علمی برده و اجازه روایت حدیث را از او گرفتم. سپس علوم عقلی را نزد ملاصدرای شیرازی در شیراز آموختم. پس از آن خود را از تحصیل بی‌نیاز دیده، خود مشغول مطالعه آثار علما شدم و به تدریس علوم دینی و تألیف و تصنیف کتب پرداختم.»^(۳)

علاقه فیض به علوم اهل بیت (ع)

فیض در میان همه علوم که آموخت در ابتدا تحت تأثیر افکار فلسفی و عرفانی و علوم عقلی بود و سرانجام به فقه و حدیث براساس مسلک اخباری دل بست و به گفته خودش وقت و فکر خود را در خدمت به علوم اهل بیت (ع) وقف نمود. وی در کتاب «شوق مهدی» می‌گوید:

فیض اگر آب حیات ابدی می‌طلبی منبعش پیروی سنت اهل البیت است^(۴)

فیض در رساله «انصاف» خود می‌گوید: «چنین گوید مهدی به شاهراه مصطفی محسن بن مرتضی که عنفوان شباب چون از تفقه در دین و تحصیل بصیرت در اعتقادات و به کیفیت عبادات به تعلیم ائمه معصومین (ع) آسودم چنانچه در هیچ مسأله محتاج به تقلید به غیر معصوم نبودم، به خاطر رسید که در تحصیل معرفت اسرار دین و علوم راسخین نیز سعی نمایم شاید نفس را کمال آید، لیکن چون عقل را راهی به آن نبوده،

نفس را در آن پایه ایمان که بود دری نمی‌گشود و صبر بر جهالت هم نداشت و علی‌الدوام مرا رنج می‌داشت. بنابراین چندی در مطالعه مجادلات متکلمین و متفلسفین و متصوفه پرداختم و بالاخره از آثار آنان سیرابی به دست نیاوردم و درمانی حاصل نکردم ... پس از آن توبه کردم و کارهای خود را در اختیار او قرار دادم تا مرا از برکات شرع مطهر هدایت فرماید و از حقایق قرآن و احادیث سید رسولان بهره‌مند گرداند»^(۵)

وی همچنین می‌افزاید: «بدانید همانا من از برکات ائمه معصومین (ع) به نورانیت قرآن و اهل بیت رهبری شدم و از آثار آنها پیروی کردم و از هر آیینی که بر خلاف راه خدا و هدایت او باشد متنفرم، زیرا هدایت واقعی ویژه هدایت خداوند است ... من مقلد قرآن و حدیث پیامبرم و تابع اهل بیت آن سرور»^(۶)

کتاب «مفاتیح الشرایع»

فیض دارای تألیفات سودمند و نفیسی به زبان عربی و فارسی است. به گفته سیدنعمت‌الله جزایری یکی از شاگردان فیض آثار او بالغ بر دویست کتاب و رساله در زمینه علوم اسلامی می‌باشد.^(۷) یکی از نفیس‌ترین آثار فیض که حاوی تمامی احکام فقهی و یک دوره کامل فقه می‌باشد، کتاب «مفاتیح الشرایع» است. او این کتاب را در سال ۱۰۴۲ ه.ق. در سنن جوانی تدوین کرده است. کتاب مزبور هم چون سایر کتابهای فیض از همان آغاز تألیفات شهرت و اعتبار خود را به دست آورد و مورد توجه و عنایت مجتهدان و محدثان قرار گرفت و به شرح و تحشیه آن دست زدند. چندین شرح و حاشیه بر آن کتاب نگاشته شده که از جمله آنها شرح مجتهد بزرگ آقا محمدباقر بهبهانی است؛ با آن که «بهبهانی» رئیس مجتهدان قرن دوازدهم بوده و با اخباریین مبارزهای بی‌امان داشته است.

کتاب «مفاتیح الشرایع» در عین ایجاز کتابی است استدلالی که به نحو مطلوبی شیوه استنباط احکام را از مآخذ معتبر آن به ما می‌آموزد و به سبکی جالب آیات مربوط به احکام در آغاز هر بحث آمده و می‌توان این کتاب را مشتمل بر آیات الاحکام نیز دانست، سپس در هر مسأله روایات و نصوص مورد استناد را آورده است.

در کتاب «روضات الجنات» آمده است: «کتاب مفاتیح الشرایع از مهمترین کتابهای فقهی است که بیانات ارزنده‌ای در آن به کار برده شده و موارد اجماع را شرح داده

و عبارات موجزی در آن نگاشته گردیده است. در یکی از اجازات از شیخ مهدی فتونی از استادش میرمحمد صالح حسینی اصفهانی داماد مجلسی دوم نقل شد که در رؤیا حضور انور حضرت بن الحسین(ع) شرفیاب شدم و پرسیدم به کدام یک از کتاب مفاتیح (محدث فیض) و کفا (محقق سبزواری) عمل کنیم و مأخذ استنباط خود قرار دهیم؟ حضرت فرمودند: «علیکم بالمفاتیح».^(۸)

تنکابنی گوید: «کتاب مفاتیح فیض مختصری از مسالک و مدارک است اما غالباً مسایل فقه را به نحو کلی بیان کرده است.»^(۹) فیض از ابتدا سعی داشت کتابی مفصل در فقه تحت عنوان «معتصم الشیعه» به نگارش درآورد اما بعداً تغییر روش داده و کتاب «مفاتیح الشرایع» را نگاشت. وی علت این تغییر روش را چنین شرح می‌دهد: «این کار را بدان جهت کردم که هم‌ت‌ها از مطالعه کتابهای مبسوط قصور و اهمال دارند و ذوق و شوق مردم به مطالعه متون مختصر بیشتر است.»^(۱۰)

بر کتاب «مفاتیح الشرایع» شروح متعددی نگاشته‌اند از جمله: ۱- شرح آقا محمدباقر اصفهانی مشهور به وحید بهبهانی موسوم به «مصابیح الظلام». ۲- شرح بحرالعلوم آقا سیدمهدی طباطبایی. ۳- شرح برادرزاده ملامحسن، ملامحمدهادی پسر نورالدین. ۴- شرح تنکابنی که غیرمدون است.^(۱۱) سیدمهدی رجایی در مقدمه کتاب مفاتیح الشرایع، ۲۷ شرح و تعلیقه‌ای که بر کتاب «مفاتیح الشرایع» نوشته شده را نام می‌برد.^(۱۲) از جمله آنها: الف- شرح سیدابراهیم بن محمدباقر الرضوی قمی از علمای قرن دوازدهم. ب- شرح آقا محمد جعفر بن آقا محمدعلی کرمانشاهی نوّه وحید بهبهانی. ج- شرح سیدعبدالله شبر موسوم به «المصباح الساطع». د- شرح سید محمد بن عبدالکریم بروجردی جد بحرالعلوم به نام «مفتاح ابواب الشریعه». ه- تعلیقه آقا وحید بهبهانی. و- تعلیقه سیدحیدر عاملی. ز- تعلیقه فرزند ملامحسن فیض به نام علم‌الهدی. ح- تعلیقه لاهیجی و... .

از ویژگیهای بارز کتاب «مفاتیح الشرایع» علاوه بر استناد به کتاب و سنت و اجماع و عقل و اشاره به ارای فقها، فتاوی و وجود دارد که فقط مختص به ملامحسن فیض است که اهم آنها عبارتند از:

۱- سن بلوغ دختران امری نسبی است که نسبت به تکالیف فرق می‌کند.^(۱۳)

۲- نماز جمعه و عیدفطر و عیدقربان واجب عینی است.^(۱۴)

- ۳- خشک‌بودن محل مسح در وضو شرط نیست.^(۱۵)
- ۴- تقدیم طرف راست بدن بر چپ در غسل ترتیبی واجب نیست.^(۱۶)
- ۵- وضو گرفتن با گلاب صحیح است.^(۱۷)
- ۶- گفتن آمین در نماز بعد از حمد حرام نبوده و موجب بطلان نماز نمی‌شود، بلکه کراهت دارد.^(۱۸)
- ۷- نماز و روزه استیجاری جایز نیست و فقط حج استیجاری جایز است.^(۱۹)
- ۸- اهل کتاب (یهود و نصاری و زرتشتیان) محکوم به طهارتند.^(۲۰)
- ۹- قرائت سوره کامل پس از سوره حمد واجب نیست.^(۲۱)
- ۱۰- خُم ارباب مکاسب (منافع تجارت و کسب) در زمان غیبت واجب نیست.^(۲۲)
- ۱۱- ذبیحه اهل کتاب حلال است.^(۲۳)
- ۱۲- مشهور فقها حق الماره (حق عبورکنندگان از کنار و میان مزارع و باغستانها در خوردن محصول و میوه‌ای که سر راه آنان قرار دارد) را پذیرفته‌اند ولی به نظر ملامحسن فیض اقوی منع آن است،^(۲۴) مگر در صورتی که خورنده به رضای مالک علم داشته باشد.
- ۱۳- عقد نکاح منقطع در صورت عدم ذکر مدت باطل است.^(۲۵)
- ۱۴- طلاق به هر لغت و زبانی تحقق پیدا می‌کند.^(۲۶)
- ۱۵- شرکت اعمال و مفاوضه و وجوه صحیح است.^(۲۷)
- ۱۶- غنا و موسیقی جایز است و غناهای حرام آن آوازهایی است که در زمان بنی‌امیه متداول بوده است.^(۲۸)

نقد و بررسی

۱- در کتاب مفاتیح الشرایع مباحث فقهی در دو فن عمده یعنی عبادات و سیاسات، عادات و معاملات آمده است. در فن عبادات و سیاسات مباحث مربوط به حسب و حدود که مشتمل بر موضوعات جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، تعاون بر بر و تقوی، افتا و حکم بین مردم به حق، اقامه حدود و تعزیرات می‌باشد، آمده است. به نظر می‌رسد مباحث مربوط به قضا که در فن عادات و معاملات آمده به جا بود که در بحث سیاسات ذیل موضوع «افتا و حکم» مطرح می‌باشد. افزون بر این در فن عادات و معاملات

در مفاتیح معایش و مکاسب مباحث مربوط به شفعه، جعاله، اقرار، ابراء، غضب، لقطع و وصایت آمده به نظر می‌رسد این گونه مباحث جایگاهش در ایقاعات و احکام است، مگر این که بگوییم منظور مؤلف محترم از معایش و مکاسب اعم از عقود و ایقاعات و احکام است.

۲- با این که ملامحسن فیض کاشانی در بحث از منابع فقه و مآخذ استوار احکام فقه و اصول محکم آن را قرآن و سنت رسوم اکرم (ص) و کلام اهل بیت (ع) می‌داند و اجماع و دلیل عقل را معتبر نمی‌داند^(۳۹)، در عین حال در مواردی و به مناسبت‌های مختلف از اجماع و دلیل و عقل استفاده کرده است. به عنوان نمونه به چند مورد اشاره می‌شود:

«أما يجب الخمس في الغنائم بالاجماع...»^(۴۰)، «و منها الكنوز و يجب الخمس فيها بالاجماع...»^(۴۱)، «قدر الفطر صاع بالاجماع»^(۴۲)، «و يستجيب التصدق بالضرورة من الدین و دلیل العقل»^(۴۳) و نیز به عنوان یک قاعده کلی می‌گوید: «كل ما يحكم العقل بجوازه و لامعارض له من الشرع فهو مباح»^(۴۴)

۳- ملامحسن فیض کاشانی در مقدمه کتاب مفاتیح الشرایع تقسیم‌بندی خبر واحد به صحیح، حسن، موثق و ضعیف را که توسط علامه حلی صورت گرفته قبول ندارد و خود اصطلاحات جدیدی را وضع کرده است. وی خبر واحد را به حدیث معتبر، مستفیضه، خبر یا اخبار، قوی، نص، نصوص، روایت یا ظاهر روایت تقسیم کرده است^(۴۵) اما این تقسیم‌بندی را ایشان به طور موجز و مبهم ذکر کرده است؛ در حالی که به نظر می‌رسد جا داشت در مقدمه کتاب پیرامون اصطلاحات مزبور به تفصیل و توضیح بیشتری می‌پرداخت؛ هر چند که مؤلف محترم در کتاب «الوافی» توضیحات مبسوطی را ارائه داده است.^(۴۶)

۴- همان طوری که اشاره شد ملامحسن فیض با نظریات فقهی خاص خود تحوُّلی در استنباط مسایل فقهی به وجود آورده و راه نو و تازه‌ای فراسوی محققان و پژوهشگران مباحث فقهی - حقوقی قرار داد اما در بعضی از این نظریات که در کتاب مفاتیح الشرایع آمده جای تأمل است از جمله:

۱-۴- ایشان معتقدند که نماز و روزه استیجاری جایز نیست و فقط حج استیجاری جایز می‌باشد. استدلالشان این است که هر عبادتی که توأم با مال و آمیخته با مال

باشد مانند حج، استیجار آن جایز است. به این معنا که کسی را اجیر کنند تا آن عبادت را برای میّت به جا آورد؛ چنانچه جایز است کسی تبرّعاً آن را از طرف میّت بخواند اما عبادات بدنی محض که آمیخته به مال نیست مثل نماز و روزه، چون اخذ اجرت منافات با قصد قربت از طرف نائب برای منوب عنه دارد از این رو استیجار آن جایز نیست. البته اگر کسی بخواهد تبرّعاً و بدون اخذ اجرت نماز و روزه میّت را از جانب او قضا کند جایز است. به نظر می‌رسد که اخذ اجرت در عبادات در طول قصد قربت است و منافاتی با هم ندارند. یعنی نماز می‌خوانم برای خدا و به قصد قربت ولی محرّم در این نماز و حج اخذ اجرت است.^(۳۷)

۲-۴- براساس تعریفی که فقها از شرکت کرده‌اند^(۳۸) یکی از عناصر اصلی در تعریف شرکت این است که شرکت به اعتبار حقوق مالکیت شرکا تشکیل می‌شود و نه خود شرکا به عبارت دیگر شرکت به مفهوم وسیع کلمه مبتنی بر رابطه حقوقی شرکا با یکدیگر است و نه رابطه شخصی آنها. بنابراین مقتضای عقد شرکت این است که سود و ضرر نسبت به مال شرکا تقسیم شود؛ چنان که در ماده ۵۷۵ ق.م. آمده: «هر یک از شرکا به نسبت سهم خود در نفع و ضرر سهیم می‌باشد، مگر این که برای یک یا چند نفر از آنها در مقابل عملی سهم زیادتری منظور شده باشد.»

با توجه به آنچه گفته شد به نظر می‌رسد در میان اقسام شرکت فقط شرکت عنان صحیح است «و آن شرکت در اموال است که دو نفر یا بیشتر شریک می‌شوند و اموالی را روی هم می‌گذارند و به کار مشغول می‌شوند و سود به نسبت بر مال تقسیم می‌شود مگر با شرط و به هر گونه که شرط شود.»^(۳۹) اما شرکت اعمال^(۴۰) و مفوضه^(۴۱) و وجوه^(۴۲) که به نظر ملامحسن فیض دلیلی بر بطلان آن نیست، از آن جایی که براساس کار و قرارداد و اعتبار شرکا است نه براساس مال و حقوق مالکیت آنها، به دلیل تنافی آن با مقتضای عقد شرکت اعتباری ندارد.

۳-۴- یکی از موارد فرار از ربا این است که در معامله ربوی مثلاً ۲۰۰ کیلو گندم به ۲۵۰ کیلو گندم، بایع مازاد را به مشتری بفروشد یا ببخشد یا قرض داده سپس ابرایش کند. به نظر ملامحسن فیض چنین معامله‌ای صحیح است.^(۴۳) اشکالی که بر این نظریه وارد است این است که بیع، هبه، قرض و ابرایی که برای تخلّص از ربا صورت می‌گیرد، مقصود اصلی متعاقدين نبوده بلکه نیّت واقعی‌شان ربا است، از این رو

معامله صحیح نیست. ملامحسن فیض در پاسخ به این اشکال می‌گوید: درست است که بیع و هبه و قرض ذاتاً مقصود طرفین نیست و به مقتضای قاعده «تبعیّت» واقع نمی‌شوند ولی این امر سبب بطلان آن نمی‌گردد زیرا همان قصد فرار و تخلص از ربا در تحقق مقدار قصدی که برای صحت این عقود لازم است، کفایت می‌کند. وی سپس می‌گوید: «برای مقصود بودن یک عقد لازم نیست کلیه نتایجی که بر این عقد مترتب خواهد شد موردنظر باشد، بلکه کافی است نتیجه صحیحی از نتایج متعدد آن مقصود باشد. مثلاً کسی که می‌خواهد خانه‌ای بخرد تا آن را اجاره بدهد و از اجاره آن بهره ببرد، همین مقدار قصد برای تحقق قصد و احراز صحت عقد کافی است؛ هر چند برای خریدن خانه نتایج دیگری که به نظر عقلاً مهمتر است وجود داشته باشد.»^(۴۴)

قبل از پاسخ به استدلال مزبور ذکر نکته‌ای لازم است و آن این که بین قصد انشا با غرض و داعی فرق است. آنچه در تحقق عقود معتبر می‌باشد قصد انشا است و غرض و داعی از احکام و آثار مترتبه بر آن هستند. از این رو هنگام تحقق عقد اگر احکام و آثار آن مقصود طرفین نباشد، ضرری به صحت عقد وارد نمی‌کند. مثلاً آنچه برای تحقق نکاح معتبر است قصد انشا زوجیت است اما در مورد احکام آن مثل نفقه و احکام ارث و... قصد هیچگونه دخالتی ندارد یا در تحقق بیع باید قصد انشا مبادله عین به عوض معلوم وجود داشته باشد بدون این که لزومی داشته باشد، احکام و آثار مترتب بر آن از قبیل لزوم عقد لازم و جواز عقد جایز و ملکیت ثمن توسط بایع و مثن توسط مشتری مورد قصد قرار گیرد.^(۴۵) به نظر ملامحسن فیض لزومی ندارد در معاملات صوری مثل بیع و هبه و قرض که برای فرار از ربا صورت می‌گیرد، قصد انشای بیع و هبه و قرض بالذات وجود داشته باشد، بلکه همین که به قصد فرار از ربا که غرض و داعی آن است باشد، کافی است.

با توجه به آنچه آمد در پاسخ به استدلال ملامحسن فیض می‌گوییم: هیچ‌گاه مقصود واقعی از بیع و هبه و قرض که طرفین برای فرار از ربا بدان متوسل می‌شوند، انشای خود عقد بیع و هبه و قرضی نیست بلکه برای فرار از ربا که از آثار و احکام مترتب بر عقد است، می‌باشد. بنابراین آنچه لازمه صحت عقد است - یعنی قصد انشای عقد بیع و هبه و قرض - تحقق نمی‌یابد و در نتیجه آنچه تحقق می‌یابد بیع و هبه قرض صوری است. ملامحسن فیض کاشانی در مثال خانه و اجاره بین داعی و آثار عقد با قصد انشای بیع خلط کرده و داعی عقد را در صحت آن مؤثر دانسته است در حالی که اگر

کسی هنگام خرید خانه قصد هیچ یک از منافع و نتایج آن را ننماید، این امر ضروری به صحت عقد بیع نمی‌زند بلکه آنچه موجب صحت معامله است قصد انشای بیع است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پی‌نوشتها

- ۱- علیرضا فیض، مبادی فقه و اصول، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۶۹، ص ۳۷۳.
- ۲- میرزا محمدعلی مدرس تبریزی، ریحا الادب، انتشارات کتابفروشی خیام، چاپ دوم، تهران، ج ۴، ص ۳۶۹.
- ۳- سیدمهدی رجایی، مقدمه کتاب مفاتیح الشرایع، مجمع الذخایراسلا، قم، ۱۴۰۱ هـ، ص ۱۶-۱۷.
- ۴- ملامحسن فیض، شوق مهدی، ص ۲۳.
- ۵- میرسید محمدباقر خوانساری اصفهانی، روضات الجنّات فی احوال العلماء و السادات، کتابفروشی اسلامیة، تهران، ۱۳۶۰، ص ۲۶-۲۷.
- ۶- همان، ص ۲۲.
- ۷- همان، ص ۲۳.
- ۸- میرزا محمد بن سلیمان تنکابنی، قصص العلماء، چاپ سنگی رحلی، ص ۲۴۵.
- ۹- همان، ص ۲۴۸.
- ۱۰- ملامحسن فیض، مفاتیح الشرایع، مقدمه مؤلف، ص ۹.
- ۱۱- تنکابنی، قصص العلماء، ص ۲۴۸.
- ۱۲- سیدمهدی رجایی، مقدمه کتاب مفاتیح الشرایع، ص ۳۸-۴۰.
- ۱۳- ملامحسن فیض، مفاتیح الشرایع، ج ۱، ص ۱۴.
- ۱۴- همان، ج ۱، ص ۱۷ و ۲۸.
- ۱۵- همان، ج ۱، ص ۴۶.
- ۱۶- همان، ج ۱، ص ۵۶.
- ۱۷- همان، ج ۱، ص ۴۷.
- ۱۸- همان، ج ۱، ص ۱۲۹-۱۳۰.
- ۱۹- همان، ج ۱، ص ۱۷۶.
- ۲۰- همان، ج ۱، ص ۷۱ و رک:
- فاضل مقداد، کنزالعرفان، پاورقی، ج ۱، ص ۸۰.
- ۲۱- ملامحسن فیض، مفاتیح الشرایع، ج ۱، ص ۱۳۱.

- ۲۲- همان، ج ۱، ص ۲۲۴-۲۲۵.
- ۲۳- همان، ج ۲، ص ۱۹۵.
- ۲۴- همان، ج ۲، ص ۲۲۳.
- ۲۵- همان، ج ۲، ص ۲۶۱.
- ۲۶- همان، ج ۲، ص ۳۱۵.
- ۲۷- همان، ج ۳، ص ۸۵.
- ۲۸- فیض کاشانی، الوافی، ج ۳، ص ۳۵.
- ۲۹- فیض کاشانی، مفاتیح الشرایع، ج ۱، ص ۴.
- ۳۰- همان، ج ۱، ص ۲۲۲.
- ۳۱- همان، ج ۱، ص ۲۲۴.
- ۳۲- همان، ج ۱، ص ۲۱۸.
- ۳۳- همان، ج ۱، ص ۲۳۰.
- ۳۴- همان، ج ۳، ص ۳۳۶.
- ۳۵- همان، مقدمه مؤلف، ص ۶.
- ۳۶- فیض کاشانی، الوافی، ج ۱، مقدمه و توقیف دوم.
- ۳۷- ر.ک: علی اکبر ایزدی فرد، حیل‌های شرعی، انتشارات دانشگاه مازندران، چاپ اول، بابلسر، ۱۳۸۰، ص ۳۲۲-۳۲۵.
- ۳۸- ر.ک: محقق حلی، شرایع الاسلام، ج ۲، ص ۱۲۹. و: علامه حلی، تذکر الفقهاء، چاپ سنگی، تهران، ج ۲، ص ۲۱۸. و: سیدعلی طباطبایی، ریاض المسائل، چاپ سنگی، تهران، ۸-۱۳۰۷ ه. ق. و ص ۶۶.
- ۳۹- دکتر علیرضا فیض، مبادی فقه و اصول، ص ۳۰۷.
- ۴۰- شرکت اعمال که به آن شرکت آبدان گویند بدین گونه است که دو نفر یا بیشتر قرارداد می‌بندند که هر یک خود کار کند و هرچه در نتیجه کار آنان به دست آمد مشترک بین هر دو نفر باشد. خواه کارشان مساوی هم باشد و خواه نباشد. (مبادی فقه و اصول، ص ۳۰۷)
- ۴۱- شرکت مفاوضه به این معنا است که دو یا چند نفر به وسیله عقد لفظی با هم شریک می‌شوند بر این که هر یک هر آنچه از غنیمت یا تجارت یا حیازت یا میراث

یا غیر اینها به دست آورد همه در آن مشترک باشند و هر یک از چیزهایی را نسبت به دیگری ملتزم می‌شود که دیگری نسبت به او ملتزم شده است از ارش جنایت و ضمان مغضوب و غرامت تألف و غیره. (مبادی فقه و اصول، ص ۳۰۷-۳۰۸).

۴۲- شرکت وجوه به این معنا است که دونفر مستمند و بی‌چیز ولی آبرومند و دارای اعتبار و وجاهت عمومی چیزها و کالاهایی را به مدت خریداری می‌کنند و می‌فروشند و سپس بهای آن را می‌پردازند و سود به دست آمده میان آنها پخش می‌شود. (مبادی فقه و اصول، ص ۳۰۸)

۴۳- ملامحسن فیض، مفاتیح الشرایع، ج ۳، ص ۶۳.

۴۴- همان منبع.

۴۵- ر.ک: ملامحمد نراقی، مشارق الاحکام، چاپ سنگی، تهران، ۱۲۹۴ ه. ق، ص ۸۱-۸۲.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

- ۱- ایزدی فرد، علی اکبر: *حیله های شرعی*، انتشارات دانشگاه مازندران، چاپ اول، بابلسر، ۱۳۸۰ ش.
- ۲- تنکابنی، میرزا محمد بن سلیمان: *قصص العلماء*، چاپ سنگی، رحلی.
- ۳- خوانساری اصفهانی، میر سید محمدباقر: *روضات الجنّات فی احوال العلماء و السادات*، کتابفروشی اسلا، تهران، ۱۳۶۰ ش.
- ۴- رجایی، سیدمهدی: *مقدمه کتاب مفاتیح الشرایع*، مجمع الذخایر اسلا، قم، ۱۴۰۱ ق.
- ۵- طباطبایی، سیدعلی: *ریاض المسائل و حیاض الدلائل*، چاپ سنگی، رحلی، تهران، ۱۳۰۷-۸ ق.
- ۶- علامه حلّی، حسن بن یوسف بن علی بن مطهر: *تذکر الفقهاء*، چاپ سنگی، رحلی، تهران.
- ۷- فاضل مقداد، جمال الدّین مقداد بن عبدالله السیوری: *کنزالعرفان فی فقه القرآن*، تهران، ۱۳۸۴ ق.
- ۸- فیض، علیرضا: *مبایذ فقه و اصول*، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۶۹ ش.
- ۹- فیض، ملامحسن: *مفاتیح الشرایع*، مجمع الذخایر الاسلامیّه، قم، ۱۴۰۱ ق.
- ۱۰- _____: *الوافی*، آ الله مرعشی نجفی، چاپ سنگی، رحلی، قم، ۱۴۰۴ ق.
- ۱۱- محقق حلّی، ابوالقاسم نجم الدّین جعفر بن الحسن: *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام*، انتشارات استقلال، چاپ سوم، تهران، ۱۴۰۳ ق.
- ۱۲- مدرس تبریزی، میرزا محمدعلی: *ریحا الادب*، انتشارات کتابفروشی خیام، چاپ دوم، تهران.
- ۱۳- نراقی، ملامحمد: *مشارق الاحکام*، چاپ سنگی، وزیر، تهران، ۱۲۹۴ ق.